

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۶

نقش آموزه‌های قرآنی، اسلامی و عرفانی بر سبک زندگی اجتماعی

رحمت رزاقی^۱

محسن نورایی^۲

زینب السادات حسینی^۳

محسن موسوی^۴

حسن باقرزاده خجسته^۵

چکیده:

جوامع اسلامی دچار التقاط شدید فکری و رفتاری هستند. پس از چند سده پیشرفت تمدنی در جوامع اسلامی، هجوم دشمنان مختلف و جنگ‌های پیاپی و درگیری‌های داخلی و نیز تکفیر مسلمانان از سوی برخی از مذاهب اسلامی، جامعه اسلامی عقب‌گردی به سمت و سوی جاهلیتی جدید داشت. این عقب‌گرد همراه با پذیرش فرهنگ‌های مسلطی بود که در سده‌های اخیر توان علمی خود را در فن‌آوری‌های مادی نشان داده و در این عرصه‌ها پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته‌اند. این گونه است که نوعی سبک زندگی التقاط در فکر و رفتار در جوامع اسلامی شکل گرفت که نه تنها عامل پیشرفت نشد، بلکه موجبات افزایش عقب‌افتادگی جوامع اسلامی و تسلط دشمنان دین و ملت شد. نویسنده در این مطلب بر آن است تا با بررسی سبک زیستی در جوامع اسلامی و علل مشکلات کنونی جهان اسلام، راه کار برونرفت را تبیین کرده و اثبات نماید که تنها راه همانا بازگشت به سبک زندگی اسلامی با بازخوانی و به‌کارگیری آموزه‌های قرآنی، اسلامی و عرفانی است. چرا که فرازمندترین و جامع‌ترین سبک زندگی، برنامه‌ای است که از تعالیم الهی و آموزه‌های وحیانی استخراج شده باشد. در این راستا دانشوران مسلمان نیز متناسب با رویکرد علمی-فلسفی و آموخته‌های خود از اسلام و یافته‌های خود به ارائه برنامه زندگی اقدام کرده‌اند. در این میان عرفا نیز طبق آموخته‌های خود از اسلام و یافته‌های شهودی و باطنی، دستورالعمل‌هایی را برای رسیدن به حیات معنوی و زندگی مطلوب بیان کرده‌اند.

کلید واژه‌ها:

سبک زندگی، زندگی اجتماعی، آموزه‌های اسلامی، آموزه‌های عرفانی، اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌ها.

^۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

^۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران. نویسنده مسئول: m.noor.3@gmail.com

^۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

^۴- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.

^۵- استادیار گروه تولید دانشگاه صدا و سیما.

پیشگفتار

سبک زندگی (*life style*) اصطلاحی هست که از دهه ۱۹۵۰ به بعد به صورت بسیار جدی وارد ادبیات علوم اجتماعی، اقتصاد و روانشناسی شد. این اصطلاح به الگوهای نسبتاً پایدار رفتار افراد در سطح فردی و اجتماعی در شئون مختلف زندگی اشاره دارد. در ادبیات غربی ذیل واژه *life style* و یا همان سبک زندگی معانی و مفاهیم بسیاری تولید شده و رشد کرده‌اند و حول آن بحث‌های مختلفی در جریان است. اصطلاح *life style* را نخستین بار آلفرد آدلر، روان‌شناس معروف در سال ۱۹۲۹ و قبل از جنگ جهانی دوم به کار برد. او *life style* را ویژگی بنیادین فرد که در کودکی تثبیت یافته و بر واکنش‌ها و رفتاری‌های وی حاکم شده است، می‌دانست. به بیان آدلر سبک زندگی، هدف نهایی و اساسی هر یک از ما برتری یا کمال است، ولی ما از طریق الگوهای رفتاری متفاوتی سعی می‌کنیم به این هدف برسیم. هر کدام از ما این تلاش را به صورت متفاوتی نشان می‌دهیم. ما الگوی منحصر بفردی از خصوصیات، رفتارها، و عادت‌ها را پرورش می‌دهیم می‌باشد (صداقت، ۱۳۹۴: ۲۱). یکی از تغییراتی که پس از آدلر در پژوهش‌های مربوط به بازار در دهه ۱۹۷۰ میلادی در آمریکا انجام شده، سبب شد این واژه به شکل عمیقی با مفاهیم مصرفی پیوند بخورد. به عنوان مثال دیوید چینی *life style* را سازمان اجتماعی مصرف قلمداد می‌کند. (چینی، ۱۳۷۸: ۹۸) زیمل *life style* را تجسم دادن فردیت فرد در فرهنگی عینی‌اش برای تمایز از دیگران و قابل فهم بودن این تمایز برای دیگران و همچنین تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود در فرهنگ عینی آن و شناساندن آن به دیگران می‌داند. (زیمل، ۱۹۹۰: ۳۴۶) ویلن سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی که از جنس رسوم، عادات اجتماعی و روش‌های فکری هستند می‌داند. بورديو نیز سبک زندگی را بیشترین توانایی برای ارائه ویژگی‌هایی که همه فعالیت‌ها را در خود خلاصه کرده می‌داند. (کاوایانی، ۱۳۹۴: ۳۹)

در این میان فرازمندترین و جامع‌ترین سبک زندگی، برنامه‌ای است که از تعالیم الهی و آموزه‌های وحیانی استخراج شده است چون با فطرت همگام و همگون است و از جامعیت و شمول لازم نسبت به مراحل مختلف زندگی برخوردار است و با توجه به شئون گوناگون دنیوی و اخروی و مادی و معنوی برنامه‌ریزی شده و می‌تواند علم و فناوری و زندگی تکنولوژیک امروزی را نیز به خدمت بگیرد. (بهشتی، ۱۳۹۵: ۳۴)

دین به عنوان نوعی از هدایت الهی، دگرگونی و آثار عمیق و وسیعی را در اندیشه و روح انسان پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی که نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و

کردارهای انسان را در بر می‌گیرد، استعدادهای درونی و فطری بشر شکوفا و هدایت می‌شود و مسیری ویژه به تکامل می‌رسد. دین می‌تواند درباره به خدمت گرفتن شاخص‌های مناسب فرهنگ گذشته، اگر مغایرتی با آموزه‌های دینی نداشته باشد، توجه و آن را تأیید کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۵) سبک زندگی اسلامی عنوانی است شناخته شده در علوم انسانی و در سطح بین‌الملل، اما از زاویه‌های متعدد به آن نگاه می‌شود و مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سبک زندگی اسلامی، با تمام زندگی افراد و ابعاد آن مرتبط است. سبک زندگی اسلامی از جهتی با دیگر سبک‌های زندگی متفاوت است. در جامعه‌شناسی، مدیریت، علوم پزشکی و روانشناسی بالینی و غیره، نیز بحث از سبک زندگی مطرح است، اما در این قلمروها فقط به رفتاری خاص می‌پردازند و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم برقرار نمی‌کنند. اما سبک زندگی اسلامی، از آن جهت که اسلامی است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. بر این اساس، هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. (کاوایی، ۱۳۹۲: ۱۸) عرفان اسلامی نیز بطور خاص و مصطلح در عرصه علوم اسلامی مانند دیگر دانش‌های اسلامی چون فلسفه و کلام اسلامی و... مطرح می‌باشد. عرفان اسلامی را می‌توان معرفت، و دانشی دانست که بدان عنصر عشق، در مطابقت و همراهی با ساختار وحی در اسلام گره خورده است و این نگرش در سبک زندگی اسلامی و عرفانی برجسته و نمایان است.

مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی یک اصطلاح جدید است که در انگلیسی از آن به *life style* تعبیر می‌شود. در علوم اجتماعی سبک زندگی غیر از شیوه زندگی دانسته شده که در انگلیسی از آن به *way of life* یاد شده است؛ چرا که شیوه زندگی، مفهومی عام و کلی است که هر گونه شیوه و اسلوب زندگی را در همه تمدن‌ها و ادوار تاریخ بشر اعم از دوران‌های ماقبل مدرن و دوران جدید و حتی پسا مدرن را نیز در بر می‌گیرد. اما سبک زندگی، سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاصی از زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه هویتی خاص می‌بخشد. این نظام واره هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده‌ها و جوامع را از یکدیگر متمایز می‌کند و هویت‌هایی متمایز می‌بخشد. سبک زندگی از این حیث، مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه تنها برآورنده حاجات و نیازهای مادی و معنوی وی است، که متضمن فحوایی فلسفی نیز هست. این فحوای فلسفی همان روایت خاصی است که وی با سبک زندگی خود آن را در برابر دیگران تجسم و تجسد می‌بخشد.

این روایت را می‌توان در آداب و هیئت ترکیبی آنها و رفتارها و جلوه‌های ظاهری مورد خوانش

و قرائت قرار داد. هم چون بسته‌ای همبسته و پیوسته شامل: مصرف، معاشرت، پوشش، نوع بیان و حرف زدن، ادبیات محاوره‌ای، تفریح، اوقات فراغت، آرایش ظاهری، طرز خوراک، معماری و شهرسازی، دکوراسیون منزل، آداب دینی و مناسک مذهبی / عبادی و... این‌ها همه جلوه‌های رفتاری راوی هویت و شخصیت ما در محیط زندگی و نشانه‌ای روشن از عقاید، باورها، ارزش‌ها، و علائق ماست که ترکیب آنها هویت شخصی و اجتماعی ما را می‌نمایاند. *life style* در معانی اصطلاحی هم‌نشین واژه‌هایی چون مصرف، تمایز و انتخاب است. این هم‌نشین‌ها حکایت از تغییر و تحولات معنایی دارد که در طول حیات این واژه رخ داده است. بسترهای تاریخی فرهنگی متفاوت، معانی متفاوتی برای این اصطلاح ایجاد کرده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده‌اند. «سبک زندگی به معنای شیوه رفتاری فرد یا گروه در الگوهای متفاوت زندگی است و سبک زندگی گروهی و جمعی به معنای و فاداری عمومی و همگانی افراد جامعه به مجموعه‌ای از شیوه‌ها، عادات، سلیقه‌ها، علایق و تنفرها ست. که این مجموعه رفتارها نمادی از نگرش‌ها، هنجارها و باورهای جمعی و نظامند در میان افراد جامعه است. و افراد یک جامعه را از افراد دیگر جوامع متمایز می‌کند؛ رفتارهایی که در میان توده مردم نهادینه شده است و به صورت یک سنت و شیوه رفتاری در میان اعضای جامعه حضور دارد. منظور از سبک زندگی مجموعه الگوهای انسان در اعمال، احساسات، عواطف و افکار است؛ الگوی افراد در اموری همچون لباس، غذا، تفریحات، روابط با یکدیگر، طلاق و ازدواج، معیشت و کسب و کار، مسکن، معماری و شهرسازی، هنر و ادبیات و امثال آنها. در واقع سبک زندگی رفتار فرد یا جامعه را از رفتار افراد یا جوامع دیگر متمایز می‌سازد و بیان‌گر شیوه‌های گوناگون فرهنگی است. (علیزاده و فتحی نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۴)

«آنتونی گیدنز» سبک زندگی را از مولفه‌های زندگی مدرن امروزی می‌داند. به اعتقاد وی دنیای جدید و مدرن گزینه‌های قابل انتخاب را برای افراد افزایش می‌دهد و همین مساله موجب می‌شود تا هر جامعه‌ای برای خود سبکی خاص از زندگی را انتخاب کند. سبک زندگی که در این جا مورد بررسی و تحلیل مفهومی آن هستیم، ارتباط با حوزه جامعه‌شناختی دارد، هر چند که هر فردی نیز می‌تواند دارای سبک خاص از زندگی باشد که به حوزه روان‌شناسی تعلق می‌گیرد. روان‌شناسان اجتماعی به عملکرد فردی افراد در سبک زندگی توجه دارند، زیرا سبک خاص زندگی هر فردی نیز می‌تواند با دیگری از همان جامعه بلکه خانواده متفاوت و متمایز باشد. این تفاوت و تمایزها می‌تواند در تحلیل شخصیت افراد و رفتارهای او مفید و برای بیان مشکلات و تبیین آن‌ها و نیز توصیه‌هایی جهت برونرفت از مشکلات حاد فردی سازنده باشد.

مولفه‌های سبک زندگی

برخی متفکران کلاسیک شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح را از مؤلفه‌های سبک زندگی دانسته‌اند. در این زمینه میتوان به تقسیم بندی «گِرَدُن» اشاره کرد. او در جمع بندی خود، چند عامل مهم را در مطالعه سبک زندگی برمی‌شمرد: الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرشها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند عقلانیت، دین، خانواده، میهن‌پرستی، آموزش، هنرها و ورزش‌ها. برخی متفکران دیگر (مانند پارسونز) نیز جنبه‌هایی از سبک زندگی را معرفی می‌کنند که ناشی از فناوری‌هاست، مانند خودرو، وسایل خانگی، تلویزیون، کامپیوتر و... برای سازماندهی این موارد مجزا و متنوع تقسیم‌بندی‌های کلی‌تری تعریف شده است که ناظر بر ابعاد نگرشی و رفتاری است. برای مثال، «ادوارد فرن» مؤلفه‌های مذکور را در سه گروه فعالیتها (مانند کار و سرگرمی)، علاقه‌مندی‌ها (مانند خانواده و رسانه) و عقاید (مانند موضوعات سیاسی و اجتماعی) دسته‌بندی می‌کند.

با گذشت زمان و در آغاز قرن بیستم، به جای تمرکز بر رفتارهای مصرفی و تکیه بر جنبه‌های عینی زندگی انسان (و اتفاقاً در اصل خود بیشتر وابسته به نیازهای اولیه (مانند خوردن، پوشیدن و مسکن)، جنبه‌های ذهنی و نیازهای ثانوی انسان (مانند روابط انسانی، نگرشها و گرایشها) مورد توجه قرار گرفت. اگرچه محوریت و تکیه بر رفتار مصرفی در تمامی سالهای قرن بیستم تداوم یافت؛ تحول، کاملاً با تحول در نظریه‌های سبک زندگی منطبق است. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۲۱۵-۲۱۶)

سیر تاریخی مولفه‌های سبک زندگی

بررسی مولفه‌های سبک زندگی از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که بدون شناخت این سیر و تغییرات بوجود آمده در آن نمیتوان سبک زندگی امروز را به درستی مورد نقد و بررسی قرار داد. این مولفه‌ها، دسته‌بندی‌ها و مصادیق سبک زندگی را در طول تاریخ نشان می‌دهد:

(۱۹۱۹) وبلن: شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذراندن اوقات فراغت و تفریح، اطفا (رفتارهای حاکی از نجیب‌زادگی یا دست و دلبازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمین و آرایش آنها).

(۱۹۳۵) چابین و (۱۹۴۰) اسول: محل سکونت، نوع خانه، وسایل اتاق نشیمن.

(۱۹۸۵) کلاکھون: رفتارهای شخصی مصرفی که حاکی از ترجیحات فردی، مواردی مثل نحوه

استفاده از صنایع فرهنگی، تفریحی و ورزشی، نحوه بازی کردن و لباس پوشیدن.

(۱۹۶۳) گردن: الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت کردن، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند امور جنسی، عقلانیت، دین، خانواده، میهن پرستی، آموزش، هنرها و ورزش‌ها.

(۱۹۶۴) پارسونز: فناوری مدرن شامل خودرو، یخچال، ماشین لباسشویی و تلویزیون.

(۱۹۶۴) برلسون و استینر: اوقات فراغت و ذوقیات و نحوه مصرف مناسب پول مواردی مثل وضع ظاهری و لباس، آداب معاشرت، سلیقه زیبایی شناسی، سرگرمی‌ها و خوردنی‌ها.

(۱۹۶۵) راجر برون: تفاوت در سبک زندگی، از بی‌اهمیت‌ترین چیزها ناشی می‌شود. از عادات نوشیدن و خوردن سالاد گرفته تا انتخاب کلمات و طرز پوشیدن و عادت نشستن، همچنین شیوه‌های تربیت کودکان، رفتارهای جنسی، بهداشتی، مذهبی و سیاسی.

(۱۹۶۹) لوید وارنر: نحوه گذراندن فراغت و تفریحات و سلیقه‌های ورزشی، به تفاوت‌های دینی و چشم اندازه‌های اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک.

(۱۹۶۹) ابرین و دیگران: محل زندگی، مشارکت‌های محلی، نوع منزل و نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان.

(۱۹۷۰) ون هوتن: اثاثیه، اشیاء هنری، انواع لباس پوشیدن، مواد خواندنی، آلات موسیقی، سلیقه در غذا و مشروبات، روش پخت، نوع صحبت کردن در خانه، نوع گذراندن اوقات فراغت، روابط با فرزندان، ضوابط و روش‌های تربیت کودک، تراکم جمعیت ساکن در خانه و محل، نوع و ویژگی‌های اشتغال.

(۱۹۷۶) توبی: ساختار روابط فردی و آداب و رسوم.

(۱۹۷۹) ون فوسن: انجمن‌هایی که فرد برای غذا، ملاقات‌ها و یا ازدواج به آنها می‌پیوندد و همچنین انتخاب میان کنسرت یا مسابقات ورزشی برای اوقات فراغت.

(۱۹۸۴) بوردیو: اول دارایی‌ها (کالاهای تجملی یا فرهنگی) که افراد دور خود جمع کرده‌اند، مانند خانه، ویلا، ماشین، اثاثیه، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، عطر، لباس‌ها و دوم فعالیت‌هایی که با آن خود را متمایز نشان می‌دهد مانند ورزش‌ها، بازی‌ها، تفریحات، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر بدن، نحوه استفاده از زبان و بودجه بندی.

(۱۹۸۶) هندری و دیگران: سلامت و بهداشت

(۱۹۸۸) سگالن: مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی)، معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی و اتکا در امور و حوادث و تاثیر

این روابط بر نوع گذراندن اوقات فراغت و نوع نگاه و رفتار در مورد اشتغال زنان و تقسیم کار در زندگی زناشویی.

(۱۹۸۹) جی‌ای ویل: سبک زندگی علاوه بر مصرف، ارزش‌ها، نگرش‌ها، مسائل جمعیت‌شناختی، تفاوت‌های جنسی، موقعیت اقتصادی، شغل، طبقه‌بندی اجتماعی، فعالیت‌های اوقات فراغت را نیز دربر می‌گیرد.

(۱۹۹۴) لسللی و دیگران: لباس، طرز حرکات و سبک محاوره، سلیقه و آداب معاشرت و در بیان کلی الگوهای مصرف.

(۲۰۰۱) فرن: فعالیت‌ها (مانند کار، سرگرمی و تفریحات)، علاقه مندی‌ها (مانند خانواده و رسانه) و عقاید (مانند موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) (حاجیان، ۱۳۸۶: ۶۳).

نکته قابل توجه در این سیر این است که:

با گذشت زمان و در آغاز قرن بیستم، به جای تمرکز بر رفتارهای مصرفی و تکیه بر جنبه‌های عینی زندگی انسان، جنبه‌های ذهنی و نیازهای ثانوی انسان مانند روابط انسانی، نگرش‌ها و گرایش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. هیچ کدام از مولفه‌های معرفی شده توسط صاحب‌نظران غربی تکامل بشریت را به دنبال ندارد و برعکس میل به منحصر بفرد بودن به هر قیمتی و میل به تعلق داشتن و وابستگی را در انسان‌ها می‌پروراند.

عوامل و زمینه‌های پیدایش مفهوم سبک زندگی

بیشتر محققان، سبک زندگی را شکلی جدید از اجتماع دانسته‌اند که تنها در متن تغییرات جهان پسااستتی معنا می‌یابد. برای نمونه، گیدنز معتقد است که سبک زندگی، اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد؛ چون با نوعی انتخاب از میان امکان‌های پرشمار موجود همراه است. همچنین دیوید چینی سبک زندگی را پاسخ کارکردی به نوگرایی دانسته و معتقد است که سخن گفتن از سبک زندگی در جهان سنتی بی‌معناست (چینی، ۱۳۷۸: ۲۲).

به اعتقاد اینان سبک زندگی هر چند مولود مدرنیته است، اغلب در دگرگونی‌هایی ریشه دارد که جهان مدرن از نیمه دوم قرن بیستم به بعد تجربه کرده است. به عبارت دیگر از منظر مدافعان رویکرد سبک زندگی، جامعه مدرن که موضوع مطالعات جامعه‌شناسان کلاسیک بود، با صورت‌بندی‌های معاصر، تفاوت‌های بنیادینی را نشان می‌دهد. جامعه اطلاعاتی، جامعه مصرفی، پسامدرنیت، پسا صنعتی و... مفاهیمی‌اند که هر یک به دگرگونی‌های اساسی رخ داده در حیات انسان مدرن اشاره دارند. به دلیل رخ دادن همین سنخ تحولات اساسی است که متفکران متأخر جامعه‌شناسی، پارادایم کلاسیک علم الاجتماع را برای تبیین و توجیه واقعیت‌های معاصر، ناکافی و ناکارآمد

دانسته و در جست و جوی مفاهیمی جدید برآمده‌اند که بتوانند پیچیدگی جهان معاصر را توضیح دهند. چنین به نظر می‌رسد که سبک زندگی و مفاهیم هم بسته آن، از ظرفیت تبیینی مناسبی برای این تحولات برخوردارند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۲۰۵).

سبک زندگی اسلامی

هدف از سبک زندگی اسلامی روشن ساختن نوع زندگی صحیح و مشخص کردن سبک غلط آن است که از آن دوری کنیم. در این نوع سبک معیار ارزشیابی، ارزش‌های اسلامی است. پس هدف ارزشیابی از رفتارهای رایج در جامعه، برای روشن شدن وضعیت فعلی است. که باید ضوابط ارزشیابی اسلامی را در نظر داشت و آن‌ها را شناخت. همچنین از منظر اسلامی، سبک زندگی شیوه‌های سنجیده و معقولی است که افراد از طریق آن به پرسش‌های اصیل وجودی خود پاسخ گویند. من کیستم، از کجا آمده‌ام، آمدنم بهره چه بود، به کجا می‌روم، و چگونه باید باشم و بروم، پرسش‌های بنیادینی هستند که تلاش در جهت پاسخ دادن به آنها، ترسیم‌کننده سبک‌ها و شیوه‌های زندگی انسان است. (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۲۴۳)

«عموم ادیان دارای نظام‌های معنایی، آموزه‌ها، نهاد و ساختارهایی هستند که پیروانشان را در ایجاد سبک‌های زندگی مبتنی بر آنها توانمند می‌کنند و بر این اساس، میتوان گفت که دین میتواند در ایجاد منش، سلیقه و زیباشناسی و در نتیجه، سبک‌های زندگی نقش ایفا کند و جدا از سبک‌های زندگی دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل است.» (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۸۷-۲۲۱)

اگر پذیرفته باشیم که انسان در حوزه کلان فرهنگ‌ها دیگر تغییر بنیادینی نخواهد داشت و به پایان راه تاریخی و رشدی خود در این عرصه رسیده و دیگر نیازی به شرایع دیگری نخواهد داشت، ولی نمی‌توانیم از مقتضیات زمانی و مکانی و تغییرات خرد در جهان و جوامع بشری بگذریم. از همین روست که سبک‌های زندگی اسلامی بسیار متنوع و متعدد خواهد بود و اسلام به مسلمانان اجازه داده تا بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی، سبک‌های اسلامی زندگی را بازسازی کنند. بنابراین مقابله با این تغییرات و عدم هماهنگی و سازواری سبک‌های زندگی اسلامی با این تغییرات به معنای حذف عملی اسلام از زندگی مردم خواهد شد و یا این که مسلمانان در یک حالت عقب ماندگی دایمی باقی خواهند ماند. اسلام با درک چنین اموری است که می‌کوشد تا هم فرهنگ و تمدن اسلامی همواره رو به جلو باشد و هم زندگی مردم از جریان طبیعی خارج نشود و دچار رکود و عقب ماندگی نگردد. از همین روست که با پذیرش منه‌اج و روش‌های گوناگون در سبک زندگی در چارچوب شریعت و شیوه زندگی اسلامی (مأئده، آیه ۴۸)، از مسلمانان خواسته نه

تنها خود را با تغییرات مثبت سازگار کنند بلکه خود عاملی در ایجاد سبک‌های زندگی با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی باشند.

بنابراین می‌توان گفت که سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی تنها یک نظام الگویی و رفتاری ثابت و بی‌تغییر نیست، بلکه سبک‌ها و نظام‌های گوناگونی است که همه آنان در اصول شریعت و اسلامیت مشترک هستند. از همین روست که در آیات قرآنی به سبک‌های گوناگونی از زندگی اشاره می‌شود و در سیره عملی پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) که به سبک زندگی توجه دارد، اختلافاتی بسیار در سبک زندگی می‌یابیم؛ چرا که الگوی رفتاری در هر زمان و مکانی با زمان و مکانی دیگر تفاوت دارد. اختلاف سلیقه‌هایی که در طول سیصد سال در سبک‌های زندگی چهارده معصوم(ع) می‌یابیم مبتنی بر تفاوت‌هایی است که مقتضیات زمان و مکان پدید آورده است. این اختلاف را در پوشش و خوراک به راحتی می‌توان ردگیری و شناسایی کرد. از همین روست که امام صادق(ع) وقتی با اعتراض برخی در سبک زندگی خود نسبت به امامان پیشین مواجه می‌شود به تغییرات مبتنی بر مقتضیات عصری و زمانی توجه می‌دهد.

سبک زندگی اسلامی در قرآن

زندگی می‌تواند اقسام مختلف داشته باشد، ولی آنچه که در قرآن مطرح است سه گونه زندگی است: زندگی دنیا؛ که قرآن در مورد آن فرموده است، زندگی دنیا ناپایدار است و وسیله است برای رسیدن به آخرت و زندگی پایدار. در برابر زندگی دنیوی، زندگی اخروی قرار دارد زندگی حقیقی در آن جاست و زندگی دنیا گذرگاه است برای آن. نوع دیگری از زندگی که در قرآن مطرح گردیده، زندگی پاکیزه (حیات طیبه) است که رسیدن به آن، مصداق مهم سبک زندگی اسلامی به حساب می‌آید. در قرآن کریم افزون بر زندگی دنیا و زندگی اخروی، "حیات طیبه" مطرح است که قرآن می‌فرماید: هر کس از -مرد یا زن- کار شایسته کند و مومن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات (حقیقی) بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد (نحل، آیه ۹۷). درباره حیات طیبه، اقوال فراوان ذکر شده است، که از جمله، رضا به قضای الهی، توفیق طاعت خداوند، ایمان و عمل صالح در حال فقر و توانایی، شیرینی طاعت، تدبیر امور را به دست حق سپردن، و... است. در تفسیر قریطی، از امام علی(ع) نقل نموده است که مراد قناعت است، قناعت زندگی را پاکیزه می‌سازد، زیرا در این دنیای محدود، بدون قناعت نمی‌توان زندگی پاکیزه داشت، اگر همه جهان را به انسان ببخشند باز هم دنبال بیشترش می‌رود، قناعت به انسان طبع بلند می‌دهد، تا انسان از خلق بی‌نیازی جوید که بی‌نیازی از خلق و اظهار احتیاج به سوی حق یکی از تفسیرهای حیات طیبه است، و همو از امام جعفر صادق(ع) نقل می‌نماید که مراد معرفت به خدا و

درستکاری در پیشگاه اوست (صداقت، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۵). قرآن هویت واندیشه ما است، کتاب بشریت و زندگانی است. جامعیت قرآن به فرد، جامعه و کل بشریت تعلق می‌گیرد. ما دو منبع بزرگ قرآن و سنت را سرچشمه بحث خود قرار داده و براساس این دو منبع، به ذکر بعضی از مبانی تربیت و در ذیل آن، اصول آن می‌پردازیم. بزرگترین کتابی که می‌توان فرازهای مهم و گسترده‌ای از سبک زندگی اسلامی را بدست آورد قرآن می‌باشد که تقریباً الگوی جامعی را بدست می‌دهد. و بهره مندی از قرآن، چندان اصول و شیوه سختی ندارد، به خصوص که امروزه قرآن با ترجمه‌های روان و تفسیرگونه همراه هستند که هرکس با کمترین دانش می‌تواند از آن سود ببرد.

پس از قرآن با استفاده از سیره معصومین است راهبر ما است. قرآن از پیامبر اسلام (ص) به عنوان الگوی حسنه یاد می‌کند و بخش‌هایی از زندگی فردی و اجتماعی و حتی خانوادگی حضرت در قرآن آمده که می‌تواند الگویی تام باشد و همچنین زندگی ائمه اطهار (ع) و فرزندان آنان پر از درستی و اخلاقیات است که باز بهر مندی از آنها می‌تواند ما را کارگشا باشد.

سبک زندگی عرفانی

در اینجا ابتدا لازم است توضیح داده شود که منظور از سبک زندگی عرفانی، سبک زندگی «عرفان اسلامی» است و عرفان‌های نوظهور و غربی و... موضوع بحث حاضر نیست. همچنین در خصوص برخی نظرات مخالف با عرفان در شریعت اسلام نیز باید توجه داشت که عارفان در مباحث معرفتی هم اصل شهود - به عنوان روش عرفان - را مورد تأیید دین می‌دانند و هم آموزه‌های معرفتی خود - همچون توحید، انسان کامل و معاد - را موافق با شریعت اسلام می‌یابند. و در بُعد عملی از یک سو جایگاه اصل سلوک در دین را تثبیت می‌کنند و از سوی دیگر، معیار شیوه سلوکی را نیز عدم مخالفت با شریعت معرفی می‌کنند. و در روش فهم متن دینی، مبتنی بر ذومراتب بودن متن و حیانی قرآن، فهم معانی باطنی قرآن را بدون توجه به ظاهر امکان پذیر نمی‌دانند. و در بحث خاستگاه صرف شباهت برخی آموزه‌ها و شیوه‌های عملی عرفان اسلامی با مکاتب دیگر را دلیل عدم اصالت عرفان اسلامی نمی‌شمارند. (کرمانی، ۱۳۹۴: ۱۱۱)

در پژوهش‌هایی که ارتباط با سبک زندگی برخی عرفا انجام گرفته است گویای این است که هرچند سبک زندگی بیشتر به رفتار می‌پردازد؛ اما تعیین این رفتار و گفتار و حرکات و سکناات در سایه اندیشه‌ها، باورها و یافته‌هاست و از میان باورها و یافته‌های عرفا دو امر در سبک زندگی اشرافی و حیات معنوی بسیار اهمیت دارد: یکی معرفه‌النفس و دیگری سیر درون و ریاضت؛ معرفه‌النفس محصول سیر باطن و درون‌نگری است و یک بحث نظری و علمی صرف نیست؛ بلکه انسان می‌تواند از طریق ریاضت و تأملات نفسانی، پیراستگی نفس از امور مادی و نوریت و کمال و قدرت

نقش آموزه‌های قرآنی، اسلامی و عرفانی بر سبک زندگی اجتماعی / ۲۰۳

نفس را دریابد و به معرفه الله دست یازد و عوالم وجود را بشناسد و به حقیقت و ماهیت حیات پی برد و در این میان نردبان معرفه النفس ریاضت است، و ریاضت اقتضا دارد که سالک پایبند نماز، دعا، تلاوت قرآن، شب زنده داری و ذکر دائم باشد. گفتنی است که در سبک زندگی اشرافی و حیات معنوی، راه ورود به ملکوت برای همه افراد، مفتوح است. (بهشتی، ۱۳۹۵: ۴۵)

بدون تردید سازندگی درونی انسان و اصلاح و تهذیب نفس او در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخوی نقش بسزایی دارد. به طوری که اگر انسان تمامی علوم را تحصیل کند و کلیه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش درآورد، اما از تسخیر درون و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و نیل به کمال بازخواهد ماند. انسان عارف با استعداد قدرت مسخر سازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تطبیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، محیط زیستی را برای خویش سامان بخشد که ضمن بهره مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی، معنوی را پدید آورد که شکل دهنده بعد انسانی باشد. (رادمنش و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۰)

التقاط در شیوه و سبک زندگی جوامع اسلامی

جوامع اسلامی از دیرباز گرفتار التقاط بودند. پیامبر(ص) همانند بسیاری از پیامبران کوشید تا سبک زندگی اسلامی خاص را در چارچوب کلان شیوه زندگی اسلامی ارائه دهد. جامعه مدنی چنان که خداوند می فرماید یک الگو و سرمشق در شیوه و سبک زندگی بوده که با تلاش‌ها و مبارزات پیامبر(ص) و مجاهدت‌های بسیار در عرصه‌های جهاد اصغر، کبیر و اکبر تحقق یافته و به عنوان سرمشق به جهانیان معرفی شده است. (بقره، آیه ۱۴۳)

پیامبر(ص) به شدت با جنگ با افکار و رفتارهای جاهلی پرداخت؛ زیرا جوامع انسانی هرگز خالی از اندیشه و پیش و نگرش‌ها نیست. از این روست که پیامبر(ص) به بررسی نقادانه از فرهنگ جاهلی پرداخته و برخی را رد و برخی دیگر را اثبات و امضا می کند.

پیامبر(ص) کوشید تا یک سبک زندگی جدید را در قالب شیوه جدیدی از زیست ارائه دهد که مبتنی بر آموزه‌های وحیانی قرآن و عقلانی و فطرت بشر است. اما پس از پیامبر(ص) به سبب ارتباط جامعه مدنی با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر، شیوه‌ها و سبک‌های دیگری از زندگی شناسایی شد. برخی از این فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به سبب پیشینه قوی تاریخی، مسلمانان را تحت تاثیر قرار دادند و سست ایمان‌ها را به سوی خود کشیدند. این گونه است که از هر شیوه زندگی به ویژه رومی، یونانی، ایرانی و مصری، فکر و رفتاری را انتخاب کردند. در دو سده نخست اسلامی چنان جامعه مدنی تحت تاثیر شیوه‌ها و سبک‌های دیگر زیستی قرار گرفت که دیگر اثری از شیوه و سبک

زیست اسلامی مدنی باقی نماند. اصولاً حرکت‌های اصلاحی امیرمومنان علی(ع) در دهه چهارم هجری و سپس حرکت اصلاحی عاشورا در دهه ششم جز برای اصلاح امت اسلام نبوده است که گرفتار شیوه‌ها و سبک‌های غیر اسلامی شده و از نظر فکری و رفتاری تغییر یافته بودند.

زندگی اجتماعی (Social Life)

مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظام، سنن، آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهند. زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسان‌ها در کنار یکدیگر و در یک منطقه زیست کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده کنند. زندگی انسان اجتماعی، به معنای این است که ماهیت اجتماعی دارد؛ از طرفی نیازها، بهره‌ها و برخورداری‌ها، کارها و فعالیت‌ها، ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره‌ها و تقسیم رفع نیازمندی‌ها، در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست، از طرف دیگر نوعی اندیشه‌ها، ایده‌ها، خلق و خوی‌ها، بر عموم، حکومت می‌کند؛ که به آنها وحدت و یگانگی می‌بخشد. به تعبیر دیگر، جامعه عبارتست از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند. نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه زندگی انسان‌ها، آن‌ها را آن‌چنان به یکدیگر پیوند، می‌زند و زندگی را آن‌چنان وحدت می‌بخشد، که افراد را در حکم مسافرانی قرار می‌دهد، که در یک هواپیما و یا اتومبیل سوارند، به سوی مقصدی در حرکتند، همه باهم به منزل می‌رسند، از رفتن می‌مانند، دچار خطر می‌گردند و سرنوشت یگانه‌ای پیدا می‌کنند. (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۸)

نظریات زندگی اجتماعی

پاسخ به چگونگی و چرایی حیات اجتماعی، یکی از مباحث بنیادی علم الاجتماع است؛ که دست کم از دوران فیلسوفان یونان مطرح بوده، ولی تاکنون، با وجود طرح نظریات گوناگون، پاسخ قطعی، روشن و جامع به آن داده نشده است. در باب زندگی اجتماعی سه نوع نظریه مطرح است:

۱- نظریه زیستی؛ بعضی از جامعه‌شناسان معاصر، منشأ تشکیل اجتماع را در نیازهای زیستی، روانی و عوامل محیطی و جغرافیایی می‌دانند و معتقدند: بشر اولیه، برای ارضای نیازهای زیستی؛ از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و ارضای جنسی و نیز نیازها و خواست‌های فردی؛ چون نیازها و خواست‌های روانی، امنیت فردی و عوامل نامساعد طبیعی، به دور هم جمع آمده و جامعه را تشکیل داده است (سیف‌اللهی، ۱۳۷۴: ۲۰۸).

افلاطون، ابوعلی سینا و خواجه نصیرالدین طوسی معتقدند عامل تشکیل اجتماع، تأمین منافع

ضروری و مصالحی است که با زندگی جمعی به دست می‌آید. از نظر اپیکوروس، زندگی اجتماعی معلول قانون تطوّر و تکامل است. مونتسکیو، در زمینه عوامل اجتماعی زیستن انسان، از احساس ترس، غریزه جنسی، لذّت بردن، کنار هم‌نوع خود بودن و آگاهی و شعور یاد می‌کند. ویکو، منشأ زندگی اجتماعی را دین دانسته. باروخ اسپینوزا، علّت روی آوردن به زندگی اجتماعی را دفع حوادث طبیعی می‌داند. آگوست کنت منشأ زندگی اجتماعی را حسّ غیرخواهی و عقل مکتسب با تجربه دانسته است. اخوان‌الصفاء، به نقش زیست جمعی در تداوم زندگی و رسیدن به کمالات دنیوی و اخروی اشاره کرده است.

هیوم چنان‌که بارنز و بکر متذکر شده‌اند، برای زندگی اجتماعی سه مرحله قائل است: در مرحله نخست، زندگی خانوادگی در اثر غریزه جنسی پدید می‌آید؛ سپس حس همدردی و به‌دنبال آن، عادت، عامل به‌هم پیوستن اعضای خانواده می‌گردد و در مرحله سوّم، که با گسترش خانواده از حس همدردی و عادت کاسته می‌شود، مزایای تعاون و همکاری، پیوستگی افراد انسان را تضمین می‌کند.

۲- نظریه قرارداد اجتماعی؛ عده‌ای دیگر از جامعه‌شناسان، در تبیین علل زندگی اجتماعی، عامل حساب‌گری عقلانی و در نتیجه، قراردادهای اجتماعی را مؤثر می‌دانند و معتقدند، انسان، به‌طور طبیعی، غیر مدنی بوده و زندگی اجتماعی، مخالف طبیعت انسانی است. از این نظر، انسان موجودی خودخواه، منفعت‌جو و فردی است که می‌خواهد همه نعمت‌ها و آدم‌ها را در خدمت خود بیاورد. محدودیت به مقررات اجتماعی، ضد آزادی طبیعی انسان است و ورود در جامعه سیاسی، به واسطه عقل، حساب‌گری و منفعت‌طلبی انسان است (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

در منشأ تشکیل اجتماع مؤثر فرض شود، اعتقاد بر این است که زندگی اجتماعی در اثر میل طبیعی و فطری انسان بوده است.

استاد مطهری بحث‌های مفصّلی در این باره کرده است. ایشان با استناد به پاره‌ای از آیات قرآن، نظریه فطری بودن زندگی اجتماعی انسان را ارزیابی کرده و سپس نظریه فطرت را با ارائه بیانی خاص از آن، می‌پذیرد. او می‌گوید: «اجتماعی بودن انسان در متن خلقت و آفرینش او پی‌ریزی شده است و انسان‌ها از نظر امکانات و استعدادها، یکسان و همانند آفریده نشده‌اند؛ که اگر چنین بود، هرکس همان را داشت که دیگری دارد و طبعاً همان را فاقد بود، که دیگری فاقد است. خداوند انسان‌ها را از نظر استعداد و امکانات جسمی، روحی، عقلی و عاطفی، مختلف و متفاوت آفریده

است. و به این وسیله همه را بالطبع نیازمند به هم و مایل به پیوستن به هم قرار داده و به این وسیله زمینه زندگی به هم پیوسته اجتماعی را فراهم نموده است. لذا زندگی اجتماعی انسان، امری طبیعی است؛ نه صرفاً قراردادی و انتخابی و نه اضطراری و تحمیلی (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۱۵).

فرانکل که معتقد به معنا درمانی است و معنا را در ضمیر ناخودآگاه انسان جست‌وجو می‌کند تا آن را در ضمیر آگاه وی بکشانند، برای بقای بشریت در کنار یکتاپرستی وحدت انسانیت را نیز لازم دانسته، می‌گوید:

امید به بقای بشریت، زمانی وجود خواهد داشت یا به شرطی است که مردم به یک هشیاری، آگاهی درباره وجود مشترک در مقولات ارزش‌شناسی برسند، یعنی این که وجوه مشترک در آنچه مردم احساس می‌کنند به حیات آنها ارزش زندگی کردن را می‌بخشد. مسئله به این ختم می‌شود که آیا ارزش‌ها و معناهایی وجود دارند که، همه مردم بتوانند در آنها سهیم باشند، در آنها مشترک باشند (فرانکل، ۱۳۷۵: ۲۰۰). تمام الگوهای ناقص و باطل را که موانع تعالی و تکامل انسان به حساب می‌آیند، محکوم می‌کند. همه خدایان دروغین و بت نماهای فرومایه و بی‌ارزش را که همچون گردنه‌هایی بر سر راه انسان قرار دارند و مانع رسیدن او به خدا می‌شوند، پاکسازی میکنند و از سر راه برمی‌دارد، انسان را از این قید و بندها و حد و مرزهای ساختگی آزادش می‌سازد تا همواره در حرکت و پویا باشد و از تلاش و تکاپو باز نایستد.

بدین ترتیب، توحید، انسان را همزمان به آزادی معنوی و آزادی اجتماعی فرا میخواند، در هر دو بخش، روحیه آزادی و آزادی‌خواهی پا به پای تعبد و تقرب رشد می‌نماید. تحقق و عینیت خوی‌ها و صفات مهربانی، دلسوزی، احسان که سرمشق‌گیری از خداوند، پاسخگویی به فطرت، تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی در دنیا و آخرت، شمرده می‌شود، صحنه حیات اجتماعی را تبدیل می‌کند به صحنه تعاون و همیاری متقابل. با تعاون همگانی در امر خیررسانی، آرامش روحی بیشتر وحدت اجتماعی ریشه‌دارتر و پیشرفت در عرصه‌های مختلف زندگی که قرین رفاه عمومی است، امکان‌پذیرتر می‌گردد. در جامعه‌ای که تنها خداوند الگو و هدف شناخته شده، به یقین بر اساس فعلیت صفات الهی در افراد، وحدت و همیاری بی‌قید و شرط، عینیت پیدا نموده و زمینه پیشرفت و تسخیر طبیعت را فراهم می‌آورد.

قرآن و زندگی اجتماعی

آیاتی از قرآن ناظر به زندگی اجتماعی آدمیان است از جمله آن‌ها:

۱- «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرهکم عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر» (حجرات، آیه ۱۲) ای انسان ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را

نقش آموزه‌های قرآنی، اسلامی و عرفانی بر سبک زندگی اجتماعی / ۲۰۷

شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. با کرامت ترین شما نزد خدا باتقواترین شماس، خدای سبحان به حق دانا و خیره است. این آیه مشتمل بر سه بخش است: بخش اول می‌فرماید: همه انسان‌ها از یک زن و مرد آفریده شده‌اند و از این جهت امتیازی بین آحاد امت و افراد جامعه نیست.

بخش دوم: هیچ جامعه بر جامعه دیگر برتری و فخر ندارد و گروه‌بندی‌هایی نظیر عرب و عجم و قریش و ایرانی و مصری و غیره سند شرافت و نشانه برتری و افتخار نیست. اختلاف زبان‌ها، رنگ‌ها، پیدایش اقوام و قبائل و عشایر، شناسنامه‌ای طبیعی برای معارفه است. بر این اساس نه سفیدبودن برگ‌های شناسنامه موجب فخر و مباهات است و نه سیاه بودن آن مایه وهن است. بخش سوم: اصل نهایی و اساسی را در کرامت ذکر می‌کند و می‌فرماید: ملاک برتری و کرامت در پیشگاه خدا تقوا است. در این آیه اصل زندگی اجتماعی تثبیت شده است زیرا فرمود: ما شما را عشیره، عشیره و قبیله قبیله قرار دادیم نه این که شما آحاد و افراد باشید.

۲- «اهم یقیمون رحمۃ ربک نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخریا و رحمۃ ربک خیر مما یجمعون» (زخرف، آیه ۳۲) آیا آن‌ها رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند، ما معیشت آن‌ها را بین آنان در حیات دنیا تقسیم می‌کنیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را تسخیر و با هم تعاون کنند و هم دیگر را خدمت نمایند. رحمت پروردگارت از تمام آن چه گردآوری می‌کنند برتر و بهتر است.

از این آیه استفاده می‌شود که تقسیم ارزاق نیز مانند مقامات معنوی از قبیل: رسالت و نبوت تنها به دست ذات اقدس اله است، او استعدادها و روزی‌ها را تقسیم کرده است تا هر کس به دیگری نیازمند باشد و از این طریق جامعه شکل بگیرد. خدای سبحان همه خصوصیات و ارزاق را به گروه خاصی نداده است بلکه اموال و صفات، قدرت‌ها و خلاقیت‌ها را تقسیم نموده است تا انسان‌ها یکدیگر را تسخیر نمایند ولی تسخیر آن‌ها متقابل است و نه یک جانبه. زیرا زندگی انسان یک زندگی دست جمعی است و اداره این زندگی جز از طریق تعاون و خدمت متقابل امکان پذیر نیست. بر اساس این تسخیر متقابل یک پزشک به باربر نیاز دارد تا بار او را جابجا کند و همین طور بار بر اگر بیمار شد، پزشک لباس کار پوشیده، در بالین او حاضر می‌شود تا او را معالجه نماید.

نتیجه‌گیری جمع بندی

امروزه هویت و شخصیت اجتماعی انسان به سبکی است که او برای زندگی اختیار نموده است. در دهه اخیر بدون سبک زندگی و هویت اجتماعی، یعنی بدون چارچوب‌های مشخصی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و پایدار

میان خود نخواهند داشت. از آنجا که اسلام، دین زندگی است، احکام و تعالیم حیات بخشی را برای انسان فراهم کرده است تا بتواند در هر سطحی مناسبات خود را به درستی ایجاد و تحکیم کند. چه خانواده به عنوان یک اجتماع کوچک یا در بیرون به عنوان یک اجتماع بزرگ و چه منطقه‌ای یا بین‌المللی (هیچ یک از ابعاد فردی و اجتماعی حیات بشری) خالی از آموزه‌های قرآنی نیست. بعضی تلاش می‌کنند تا دین را در انزوای مسجد و محراب برده و تنها در خلوت و حیات فردی خلاصه کنند. در حالی که بخش اعظمی از دستاوردهای انبیاء و اولیاء در جهت اقدامات و فعالیت‌های مختلف اجتماعی است و انسان بیش از آنکه جهت شخصی داشته باشد شخصیت اجتماعی دارد و به تعبیر بزرگان، انسان مدنی بالطبع است و بیشتر اقدامات فردی برای بازسازی انسان و بازگشت به دامن اجتماع است (صنعتکار، ۱۳۹۵: ۱۲۴). قوانین زندگی (خرید و فروش، ازداج، خانواده، جنگ و صلح، رابطه اخلاقی افراد با یکدیگر، بسیاری از عبادات و...) که در قرآن آمده است، بیشتر اجتماعی است. واژه‌هایی مانند قوم، ناس، امت، قریه، اناس و... هر کدام از آنها به خوبی، گویای این مطلب هست که اصل در زندگی انسان، زندگی اجتماعی است. اما نباید چنین تلقی شود که انسان در تکالیف نیز اجتماعی است، بلکه کاملاً برعکس؛ یعنی هر کدام از انسان‌ها تکلیف دارند و هر کسی نتیجه اعمال خود را می‌بیند (کاویانی، ۱۳۹۴: ۲۱۹).

بدون تردید ساخت جامعه‌ای انسانی و الهی، از مهم‌ترین دغدغه‌های همه انبیاء الهی می‌باشد. و نیز در راستای ساخت جامعه قرآنی باید از قرآن و سنت بهره جست. اما نکته مهم در شکل‌گیری جامعه اسلامی توجه به ابعاد مختلف ویژگی‌های جامعه مطلوب از منظر قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که می‌تواند به عنوان راهبردی کلیدی برای تحقق سبک زندگی اسلامی مد نظر قرار گیرد. یقیناً ایجاد جامعه مطلوب و به تبع آن تحقق سبک زندگی اسلامی می‌تواند به معانی واقعی تمدن‌سازی نوین اسلامی را به ارمغان آورد. از سویی دیگر توجه به آسیب‌ها و چالش‌های موجود در راستای جامعه سازی نیز از لوازم مهم برای احیاء سبک زندگی اسلامی می‌باشد، تأکید قرآن کریم بر تدبیر در قرآن در همین راستا تعریف می‌گردد. لذا جامعه قرآنی می‌تواند کرامت از دست رفته انسان در سبک زندگی غربی را به همه ابنای بشر بازگرداند. پس جامعه‌ای قرآنی است که همه شئون آن منطبق با فرامین کلام وحی و سیره اهل بیت (علیهم السلام) باشد. در بیان مصادیق تأثیرات مهم جامعه قرآنی بر تحقق سبک زندگی اسلامی باید اذعان نمود که جامعه قرآنی می‌تواند به عنوان الگویی پویا در برابر آفات و آسیب‌های موجود در سبک زندگی غربی مطرح گردد.

همچنین در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که نفس از نگاه عرفا یک موجود مجردنوری است که مبدأ و مصدر و منشأ تمامی حالات، صفات و فعالیت‌هاست و اوست که مدیر و مدبر بدن و قوای

انسانی است و شناخت آن جز از طریق شهود و تأملات باطنی امکان پذیر نیست و نیز به این مهم دست یافتیم که زندگی مطلوب، ملازم با کمال معنوی است و این کمال معنوی و لذت پایدار بدون مجاهدت و ریاضت نفسانی امکان پذیر نیست؛ زیرا چنانکه ابن سینا بیان داشته است ریاضت به منظور پیراسته سازی جان از ماسوی الله و رام ساختن نفس اماره و دست یابی به صفای باطن است. مهمترین ویژگی‌های زندگی مطلوب از نگاه سبک زندگی عرفانی که در درجه اول قرار دارند: غفلت زدایی، تفکر و ذکر دائم، راستگویی و صداقت، مهرورزی و شفقتو شب زنده داری و عبادت و تضرع... است.

لذا یقیناً بومی سازی سبک زندگی از متن اسلام می‌تواند حیات طیبه را برای همه جوامع بشری به ارمغان بیاورد. در کنار همه مواهب حاصل شده از کلام وحی باید به اصلاح نفوس جامعه که شعار اساسی همه انبیاء در طول تاریخ حیات بشر بوده است اشاره نمود. قرآن محوری و تلاش توأمان برای رشد جامعه و فرد و نیز محوریت رضایت خدا بر همه رضایت‌ها از مهم‌ترین آثار جامعه قرآنی بر تحقق سبک زندگی اسلامی خواهد بود. از اینرو بر همه نخبگان جامعه لازم است با در نظر گرفتن آثار بی‌شمار کارکردهای جامعه مطلوب تلاش نمایند در عصری که همه ارزش‌ها و اعتقادات و آرمانهای جوامع بشری در حال پایمال شدن می‌باشد، با ارائه الگوی کامل از سبک زندگی اسلامی برای سعادت و تعالی همه جوامع بشری بکوشند.

منابع و مأخذ

- ۱- امیدعلی، میثم و خلیجی، محمد، (۱۳۹۳)، رسانه و حقوق شهروندی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
- ۲- باقی نصرآبادی، علی، (۱۳۸۰)، سیری در اندیشه‌های اجتماعی شهید مطهری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
- ۳- بهشتی، محمد، (۱۳۹۵)، گفتمان معرفه‌النفوس و ریاضت در سبک زندگی اشراقی عرفانی، دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه سبک زندگی، سال اول، شماره دوم.
- ۴- جوادی‌آملی، عبدالله، (۱۳۷۷)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۵- چینی، دیوید، (۱۳۷۸)، سبک زندگی، ترجمه: علیرضا چاوو، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۶- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۶)، الگوی سبک زندگی ایرانیان، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۷- رادمنش، عظامحمد؛ خراسانی، محبوبه؛ پهلوان شمسی، فاطمه، (۱۳۹۷)، سبک زندگی در تفسیر عرفانی کشف الاسرار رشیدالدین میبیدی، فصلنامه عرفانیات در ادب فارسی، دوره ۹، شماره ۳۳.
- ۸- سیف‌اللهی، سیف‌الله، (۱۳۷۴)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۹- صداقت، محمدعارف، (۱۱۵۰)، سبک زندگی اسلامی در خانواده، ناشر: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۴، چاپ اول.
- ۱۰- صنعتکار، حسن، (۱۳۹۵)، سبک زندگی قرآنی (برای خانواده)، ناشر: قانون مدار، چاپ سوم.
- ۱۱- علیزاده، عبدالرحمان و فتحی‌نیا، محمد، (۱۳۸۶)، بازنمایی سبک زندگی طبقات اجتماعی در سریال‌های خانوادگی تلویزیون، سنجش و پژوهش، ش ۵۲.
- ۱۲- الفت، سعیده و سالمی، آزاده، (۱۳۹۱)، مفهوم سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، ش ۱.
- ۱۳- فرانکل، ویکتور، (۱۳۷۵)، خدا در ناخودآگاه، ترجمه: ابراهیم یزدی، موسسه فرهنگی رسا، چاپ اول.
- ۱۴- کاویانی، محمد، (۱۳۹۴)، درسنامه سبک زندگی اسلامی (با رویکرد تجویزی)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم.
- ۱۵- کاویانی، محمد، (۱۳۸۸)، تربیت اسلامی، گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری، مجله پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، ش ۳.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پنجم.
- ۱۷- مهدوی‌کنی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

Impact of the Koranic, Islamic, and Mystical Trainings on Social Life Style

Rahmat Razzaghi, PhD Student, Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran
Mohsen Nourae, Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran, corresponding author

Zeinabussadat Hosseini, Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran

Mohsen Mousavi, Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran

Hassan Bagherzadeh Khojasteh, Assistant Professor, Broadcasting Department, Iran Broadcasting University

Abstract:

Islamic communities are infected with severe combination of mind and behavior. After a few centuries of development in civilization of Islamic communities, invasion of various enemies and outbreak of successive wars, and internal clashes as well as excommunication of Muslims by some Islamic faiths, the Islamic community went through a regression toward barbarism. This regression came along with acceptance of dominating cultures that revealed its scientific potentiality in material technology during recent centuries and had a remarkable advancement in these arenas. This is how the life style of mind and behavior combination took shape so that not only didn't it bring about development, but it also caused the regression of Islamic communities and domination of enemies of religion and nations. By the study of life style in Islamic communities and the cause of recent problems in the Islamic world, the writer endeavors to account for a solution and try to prove that the only way left is turning back toward Islamic life style via application of the Koranic, Islamic, and mystical teachings. Because the loftiest and most comprehensive life style is a program that is extracted from divine knowledge and revelation teachings. To this end, the educated Muslims have presented their careers in proportion to the philosophical scientific approach and their learnings from Islam and their findings. Amidst these, mystics have also expressed some instructions on achieving spiritual life and optimal living according to their learnings from Islam and their own intuitive and internal findings. It is obvious that life style mostly deals with behavior; however, determining behavior is overshadowed with ideas, beliefs, and findings.

Key words : *Life styles, social life, Islamic teachings, mystical teachings, ideas, beliefs, and values*